



مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های واگیر مانند کرونا

پدیدآورنده (ها) : لطیفی، حدیثه

حقوق :: نشریه مطالعات حقوق :: بهار ۱۴۰۱، دوره جدید - شماره ۲۴

صفحات : از ۶۱۳ تا ۶۲۷

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1882481>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- موانع و چالش های اعمال مسئولیت مدنی دولت در ایران در قبال واکسیناسیون کرونا
- نقش سبک زندگی در سلامتی و پیشگیری از بیماری کرونا
- مروری بر مسئولیت مدنی قراردادی کارفرما
- مسئولیت مدنی دولت در قبال ویروس کرونا (کووید۱۹)
- مسئولیت مدنی ناشی از قصور ضابطین دادگستری
- قانون حاکم بر قراردادها در ایران
- گفتمان سیاست خارجی دهه چهارم انقلاب اسلامی (تعامل گرای ضد نظام هژمونیک) از منظر تئوری سازه انگاری
- مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در نظام حقوقی ایران
- بررسی فقهی حقوقی تبلیغات تجاری همراه کننده
- فهرست مقاله ها
- حق بر سلامتی در نظام بین الملل حقوق بشر
- بررسی شروط ضمن عقد نکاح در گفتگو با دکتر سالاریان؛ جنگ اول، به از صلح آخر است

عناوین مشابه

- مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری های واگیر (بررسی موردی: کووید-۱۹)
- موانع و چالش های اعمال مسئولیت مدنی دولت در ایران در قبال واکسیناسیون کرونا
- مسئولیت مدنی دولت در قبال ویروس کرونا (کووید۱۹)
- مسئولیت مدنی دولت در قبال ریزگردها ناشی از اراضی ملی رها شده و خشک نمودن تالاب هورالعظیم در استان خوزستان
- طیف سنجی رویکرد مطبوعات سیاسی در قبال عملکرد دولت در دوران شیوع بیماری کرونا در ایران
- نسبت سنجی مصلحت و مسوولیت دولت در قبال آلودگی های زیست محیطی
- مسئولیت حقوقی دولت در قبال بیماری های مسری
- مبانی مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی های زیست محیطی
- مسئولیت یا مصونیت دولت در قبال اعمال زیان بار حاکمیتی (بازخوانی جدیدی از ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی)
- تأملی بر جنبه های کاربردی دعاوی مسئولیت مدنی علیه دولت در قبال خسارت های زیست محیطی

فصلنامه مطالعات حقوق

Journal of Legal Studies

دوره جدید. شماره بیست و چهارم. بهار ۱۴۰۱. صص ۶۱۳-۶۲۷
Vol 6, No 24, 2022, P 613-627

شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN (2538-6395)

مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های واگیر مانند کرونا

حدیثه لطیفی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، موسسه آموزش عالی اشراق، بجنورد، ایران

Hadislatifi60@gmail.com

چکیده

در این روزها که بیماری واگیردار و مسری کرونا (کووید ۱۹)، فضای جامعه و جهان را درنوردیده است، علاوه بر ابتلائات بهداشتی برای افراد و دولت‌ها، از جوانب متعدد دیگری از جمله چالش‌های فقهی حقوقی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. یکی از ایده‌های نوظهور در زمینه حمایت از قربانیان، مسئولیت دولت در زمینه جبران خسارت از قربانیان است و از دسته قربانیان می‌توان افرادی را نام برد که در اثر یک حادثه اجتماعی و در نتیجه قصور دولت متحمل زیان و خسارتی اعم از مادی یا معنوی می‌شوند. ظهور پر قدرت ویروس COVID 19 را می‌توان از این دسته عوامل قربانی‌کننده دانست که واکنش دولت را در زمینه جبران خسارت طلب می‌کند. امروزه سلامتی یکی از مولفه‌های اساسی و از جمله نگرانی‌های روزمره انسانی به شمار می‌رود و صرف نظر از سن، جنس، نژاد و... از مهمترین سرمایه‌های اجتماعی است. در حال حاضر با توجه به شیوع بیماری کرونا در کشورهای مختلف و عالم گیر شدن آن، دولت‌ها به استناد قوانین داخلی و بین‌المللی در شرایط بحرانی دارای وظایف و تکالیفی هستند که بسیار حائز اهمیت است. چون حفاظت از جان مردم مستلزم رعایت موازین مربوطه و نظارت بر عملکردها به جهت احراز (مبنای کنترل موثر) و مسئولیت در قبال (خسارات وارده به افراد همگام با تحولات بشری و پیشرفت تکنولوژی و آثار زیانبار فرامرزی این مخاطرات برای کشورهای دیگر از جمله ایران است که در آستانه سال جدید این مرض فرامرزی گریبانگر کشور شده، به منظور آگاهی و شناخت از حدود و ثغور مسئولیت مدنی دولت در قبال شهروندان باید به بررسی ابعاد حقوقی آن پرداخته شود.



هرگاه دولتی از انجام تعهدات خود در راستای تأمین سلامت، بهداشت و درمان مردم سرباز زند و یا عملی را مرتکب شود که می‌بایست طبق قوانین انجام دهد و این امر ناشی از اهمال، غفلت یا عمد باشد در صورت ورود زیان به اشخاص و اثبات قصور و کوتاهی دولت‌ها در عدم رسیدگی و پیگیری و درمان ناکارآمد می‌توان دولت‌ها را از باب مسئولیت مدنی ملزم به جبران خسارت نمود. از آنجایی که وجود ضرر و فعل زیانبار و رابطه سببیت و انتساب آن به دولت در معنای اعم حقوق عمومی آن مستلزم توجه به تعریف دولت و شناخت از انواع اعمال دولت و در نهایت مسئولیت حقوقی و کیفری دولت از منظر حقوق بین‌الملل راجع به از بیماری فرامرزی است، باید مختصراً به بررسی آن پرداخت و تعاریفی از دولت، حکومت، اعمال حکومت و امراض فرامرزی و مسئولیت دولت‌ها در پیشگیری و جبران خسارات ناشی از امراض فرامرزی ارائه داد.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت مدنی، دولت، کرونا، فعل زیانبار، رابطه سببیت.

۱. مقدمه

امروزه سلامتی یکی از مؤلفه‌های اساسی و از جمله نگرانی‌های روزمره انسانی به شمار می‌رود و صرف نظر از سن، جنس، نژاد و... از مهمترین سرمایه‌های اجتماعی است. در حال حاضر با توجه به شیوع بیماری کرونا در کشورهای مختلف و عالم‌گیر شدن آن، دولت‌ها به استناد قوانین داخلی و بین‌المللی در شرایط بحرانی دارای وظایف و تکالیفی هستند که بسیار حائز اهمیت است. از منظر قانون اساسی، رد پای سلامت و بهداشت عمومی را می‌توان در اصول ۳، ۲۱، ۲۹، ۳۰ و ۴۳ دنبال نمود. اصل ۲۹ قانون اساسی، تأمین دسترسی عادلانه به خدمات سلامت را وظایف دولت برشمرده است. همچنین در اصل ۴۳ و بند ۱۲ اصل ۳ قانون مذکور، تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان و آموزش و پرورش، برطرف ساختن هر نوع محدودیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت مورد تأکید قرار گرفته است. مضافاً در ماده ۲ منشور حقوق شهروندی مصوب شهریور ۱۳۹۶ حق حیات و زندگی شایسته، ارتقای سلامت، بهداشت محیط و درمان مناسب، دسترسی به دارو، تجهیزات، کالاها و خدمات پزشکی، درمانی و بهداشتی منطبق با معیارهای روز و استانداردهای ملی را حق همه شهروندان به صورت عام قرار داده است و در مادتين ۳ و ۴ قانون موصوف، دارا بودن تسهیلات بهداشتی و درمان مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی و فردی، خانوادگی و اجتماعی را حق همه زنان و کودکان محسوب نموده است. علاوه بر موارد مذکور برخورداری از حقوق فوق را مشمول افراد سالمند و توان خواه (شهروندان دارای معلولیت نموده است. مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی حق هر انسان برای دسترسی به بالاترین سطح ممکن سلامتی را به رسمیت شناخته است. بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق برخورداری از سلامت پرداخته است و مقرر می‌دارد «هر کس حق بر تأمین زندگی شایسته از حیث خوراک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی را دارد». بند ۴ ماده ۵ کنوانسیون بین‌المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی، استفاده از



بهداشت عمومی و مراقبت‌های پزشکی، بیمه‌های اجتماعی و خدمات اجتماعی را برای یکایک افراد کشورها به رسمیت شناخته است. در بند ۲ ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشورهای عضو میثاق متعهد می‌شوند که اقدامات ذیل را برای استیفای کامل حق بهداشت اتخاذ خواهند کرد. منشور اجتماعی اروپا اشعار می‌دارد دولت‌های عضو، متعهد به اتخاذ اقداماتی مناسب برای ارتقای سلامت از طریق آموزش و مشاوره برای جلوگیری از بیماری‌های مسری و سایر بیماری‌ها و رفع اسباب هر بیماری تا حد ممکن هستند.

هر چند صرف تمرکز بر حقوق بین‌الملل و مقررات سازمان بهداشت جهانی لازم و کافی به نظر نمی‌رسد، بلکه مهمترین نیاز قانونی برای اقدام در راستای بهداشت عمومی و جلوگیری از انتشار بیماری‌های مسری و واگیردار، آمادگی اضطراری دولت‌ها در سطح ملی است. به استناد مواد فوق دولت‌ها متعهد به تأمین سلامت و بهداشت افراد هستند. دولت‌ها موظف هستند موانع و محدودیت‌هایی را که باعث عدم برخورداری از سلامت جامعه می‌شوند را بردارند و خدمات بهداشتی و درمانی را برای کلیه افراد جامعه اعم از افراد خردسال، سالمند، توان یاب، اقلیت‌ها، مهاجران و زندانیان به دور از هرگونه تبعیض نژادی، قومی، جنسی و زبانی تأمین کنند. علاوه بر آن دولت‌ها مکلف به مقابله و جلوگیری از نقض قوانین بهداشتی و درمانی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی هستند، از قبیل نظارت و کنترل بر بازار تجهیزات پزشکی، بهداشتی و دارویی، مقابله با احتکار دارو و اقلام بهداشتی، منع دخالت واسطه‌ها برای بهره‌مندی از بازار دارویی و بهداشتی در زمان شیوع بیماری‌های واگیردار؛ بنابراین با بهره جستن و تمسک به قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی، تأمین بهداشت و درمان مردم از تکالیف دولت‌ها به شمار می‌رود. در حال حاضر با توجه به شیوع بیماری مسری کرونا در جهان، عدم توجه دولت‌ها به مسائل بهداشتی و درمانی، عدم تأمین وسایل و اقلام موردنیاز از قبیل ماسک، دستکش و مواد شوینده، عدم پذیرش سالمندان در بیمارستان‌ها، عدم تأمین تجهیزات بیمارستانی از موارد قصور دولت‌ها در تأمین بهداشت مردم محسوب می‌شوند؛ بنابراین هرگاه دولتی از انجام تعهدات خود در راستای تأمین سلامت، بهداشت و درمان مردم سرباز زند و یا عملی را مرتکب شود که می‌بایست طبق قوانین انجام دهد و این امر ناشی از اهمال، غفلت یا عمد باشد در صورت ورود زیان به اشخاص و اثبات قصور و کوتاهی دولت‌ها در عدم رسیدگی و پیگیری و درمان ناکارآمد می‌توان دولت‌ها را از باب مسئولیت مدنی ملزم به جبران خسارت نمود.

۲. مفهوم‌شناسی

برای آشنایی مخاطبان با موضوع تحقیق مبحث اول را به مفهوم‌شناسی بحث اختصاص می‌دهیم امید است که مفید به فایده باشد.



۱-۲. تعریف دولت

رایج‌ترین تعریف از دولت متعلق به ماکس وبر است، که از نظر این متفکر سیاسی و اجتماعی و حقوقی دولت یک سازمان سیاسی اجباری است که دارای دولتی مرکزی بوده و سعی در برقراری انحصار قدرت قانونگذاری برای خود در داخل یک قلمرو مشخص دارد. دسته‌بندی‌های عمومی از نهادهای دولت شامل دیوان سالاران اداری، نظام حقوقی و سازمان‌های نظامی یا مذهبی است (آقابابایان، ۱۳۹۸).

۲-۲. اعمال دولت

اعمال دولت در دو دسته قابل تعریف است:

۱- اعمال حاکمیت،

۲- اعمال تصدی. اعمال

حاکمیت، اعمال تصدی مشاغل حاکمیتی «ظاهراً کارهایی هستند که شاغلان آنها «عمل حاکمیت دولت» را انجام می‌دهند یا «اعمال حاکمیت» می‌کنند. «عمل حاکمیت» عملی است که دولت از حیث داشتن قدرت عمومی و به عنوان اعمال قدرت عمومی انجام می‌دهد. مانند تاسیس معابر عمومی و میدان‌ها و استخدام ماموران رسمی. در مقابل «عمل حاکمیت»، «عمل تصدی» است که دولت آن را مانند سایر افراد جامعه انجام می‌دهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴).

۳-۲. امراض فرامرزی

از منظر حقوق بین‌الملل امراضی است که منشا آن یک کشور ثالث، خارج از مرزهای جغرافیایی تحت کنترل یک دولت است، اما حدوث آن خساراتی به کشورهای دیگر وارد می‌کند (آقابابایان، ۱۳۹۸).

۳. مبانی جبران خسارت توسط دولت

برای طرح موضوع، نخستین پرسشی که باید پاسخ داده شود، این است که چرا دولت باید از حیث منطقی در موارد ایراد ضرر به افراد مسئول جبران خسارت قلمداد گردد؟ سابقه طرح موضوع در حقوق کیفری، ما را با مبانی چندی در زمینه جبران خسارت‌های ناشی از جرم توسط دولت آشنا می‌کند که قابل اعمال در موضوع مورد بحث یا سایر بحران‌های اجتماعی، زیستی، سیاسی و... است. این مبانی را می‌توان به صورت خلاصه به شرح زیر بیان کرد:

۱-۳. نظریه قرارداد اجتماعی

نظریه قرارداد اجتماعی در سال ۱۷۶۲ توسط ژان ژاک روسو در قالب کتاب قرارداد اجتماعی پا به عرصه افکار عمومی نهاد. بر اساس این نظریه، شهروندان با الحاق به قرارداد اجتماعی، بخشی از آزادی‌های خود را به دولت واگذار، و در عوض امنیت را مطالبه می‌کنند. امنیت در این معنا به معنای امنیت جسم و روان



است و از این رو زمانی که در اثر بروز یک پدیده اجتماعی آسیبی به افراد وارد شود، دولت بر اساس تعهد موضوع قرارداد مذکور، ملزم به جبران خسارات وارده است. مخصوصاً اگر توجه داشته باشیم که مطابق با اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی، تأمین الزامات بهداشتی شهروندان بر عهده دولت است. با توجه به این الزام دولت، گسترش اپیدمی‌ها در جامعه نقض تعهدات و مسئولیت‌های دولت در زمینه بهداشت عمومی قلمداد می‌شود و با مکانیسم‌های مربوط به مسئولیت مدنی، دولت ملزم به جبران خسارت از زیان‌دیدگان خواهد بود. سرزنش‌پذیری دولت در این رویکرد بر اساس بی‌احتیاطی یا سهل‌انگاری موضوعیت می‌یابد و همین خطای صورت گرفته زمینه‌ساز ظهور مسئولیت حتی در بعد کیفری خواهد بود. در این نگاه، همانگونه که دولت ملزم به تحمل هزینه به منظور رعایت بهداشت عمومی است، به همان نسبت نیز در صورت عدم رعایت این الزام و وقوع زیان به افراد در نتیجه بیماری، ملزم به جبران خسارت خواهد بود (مهرا، ۱۳۹۹).

۲-۳. همبستگی اجتماعی

مفاهیم انتزاعی همبستگی و انصاف، مبنای دیگری را برای جبران دولتی خسارت در اختیار قرار می‌دهد. بر این اساس، انسان‌هایی که در یک جامعه در کنار هم زندگی می‌کنند، به یکدیگر وابسته‌اند و از این رو کمک به شخص قربانی توسط جامعه با مبانی انصاف و عدالت سازگارتر خواهد بود. این دیدگاه را نمی‌توان برخوردار از توجیه منطقی دانست؛ چراکه تنها بر حس انسان دوستی و گرایش انسان به عدالت برای تحریک به جبران خسارت توسط دولت بهره می‌برد. با این حال، از حیث واقع‌گرایی و بر اساس مودت اجتماعی، به نوعی تکلیف دولت را بر پایه اخلاقی توجیه می‌کند. همبستگی یا وفاق اجتماعی با توجه به نظم اجتماعی شکل می‌گیرد. هرگاه نظم اجتماعی، بیرونی یا نظم سیاسی باشد، وفاق اجتماعی شکل گرفته در این نوع نظم اجتماعی، غیرطبیعی و تصنعی است و هرگاه نظم اجتماعی، درونی باشد، نظم اجتماعی وفاقی یا طبیعی شکل می‌گیرد (حیدری، ۱۳۹۰). به همین دلیل است که از نگاه دورکیم، عمل متقابل مهمترین عنصر تشکیل‌دهنده همبستگی اجتماعی است و این عمل متقابل در نتیجه تقسیم کار ایجاد می‌شود؛ چرا که تقسیم کار افراد را بیش از پیش به هم وابسته می‌کند. در این نگاه همبستگی یکی از نمودهای وجدان جمعی است که نتیجه پیشرفت تقسیم کار به صورت تخصصی است (تامپسن، ۱۳۸۸).

۳-۳. واقع‌گرایی سیاسی

در دل این دیدگاه، جبران خسارت توسط دولت به عنوان راهی برای کاستن از فشارهای سیاسی وارد بر دولت در نظر گرفته شده است و دلیل تن دادن به چنین امری نیز آن است که چنین فشارهای سیاسی ممکن است هزینه‌های سیاسی بسیاری را برای دولت در پی داشته باشد. از این رو، دولت با پرداخت مبلغی به عنوان جبران خسارت، احساس ناامنی و بی‌عدالتی را خریداری می‌کند و با این عمل باعث کاهش یا تعدیل فشارهای سیاسی وارد بر خود می‌گردد. این به آن دلیل است که در برداشت‌های واقع‌گرا، مصلحت سیاسی



توجه‌کننده همه چیز است و هدف اصلی حفظ نظم و امنیت و مبارزه با آشوب است و برای رسیدن به این هدف به همان میزان که خشونت قابل توجه است، مدارا نیز می‌تواند توجه‌پذیر باشد. این نظریه که برخی آن را نظریه کاهش هزینه‌ها نامیده‌اند، در واقع نگاهی اقتصادی به جریان دولتی خسارت دارد. با این توضیح که بر خلاف رویکرد مبتنی بر همبستگی، دولت در راستای پاسداشت منافع و ساختارهای خود، نسبت به هزینه کردن به منظور جبران خسارت از بزه‌دیدگان اقدام می‌کند و نه در راستای انصاف و رعایت همبستگی اجتماعی. به عبارت دیگر، در شرایط موجود منافع سیاسی اقتضای چنین نرمشی را دارد (مهر، ۱۳۹۹).

۴. هدف مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های واگیردار

مسئولیت مدنی نیز برای تحقق و اثربخشی نیازمند هدف است. نمی‌توان بیهدف چیزی را به مقنن تحمیل کرد یا او را ملزم به پذیرش مسئولیت و تحمیل آن به دولت در شرایطی نمود که تحقق کامل آن نیازمند هزینه‌های فراوان مالی و مستلزم گذشتن مدت زمان نسبتاً طولانی است. در واقع هدف از طرح مسئله آن است که چرا دولت باید در مورد بیماری‌های واگیردار که هیچ نقشی در ایجاد آن ندارد، مسئول باشد و مستمسک این التزام چیست؟

۴-۱. نظام جبران

شاید نخستین هدفی که از مسئولیت مدنی مدنظر بوده، جبران خسارت بوده است که در نتیجه عمل یک شخص به دیگری وارد می‌آید. در جامعه مدرن، زیان یک نفر به خاطر مبتلا شدن به بیماری، در هر حد که باشد او را از یک خوب محروم می‌کند و لذا استحقاق جبران را مطرح می‌سازد (مظفری و میرزائی مقدم، ۱۳۹۹) این هدف برای مسئولیت مدنی، یادآور انعطاف از مسئولیت کیفری به مسئولیت مدنی و کاهش منازعات در صورت ورود خسارات مالی است. در واقع، اگر زمانی وارد ساختن خسارت به اموال شخصی، درگیری قبیله او را با خاندان عامل زیان موجب می‌شد، نظام جبران خسارت در اولین فرصت کینه‌ها را به حداقل می‌رسانید. نظام مذکور دارای ویژگی‌های زیر است (السان، ۱۳۹۹):

۱- ورود خسارت مقدم، شرط جبران است. بنابراین نمی‌توان نسبت به خساراتی که ورود آنها محل تردید یا رابطه سببیت بین عامل ادعایی و زیان به طور حتم معلوم نیست، تقاضای جبران نمود. در نظام جبران، وقوع فعل، شرط حتمی تحقق حق مطالبه، جبران خسارت به شمار می‌آید و هر چند بعدها عنصر «ترک فعل» نیز به این بحث افزوده شد، اما باز هم قابلیت تسری به افعال قهری و آفات آسمانی را نداشت.

۲- در نظام جبران، خسارت تنها در حدی که به طور قطع ثابت باشد، پرداخت می‌گردد. بنابراین زیان‌های معنوی، عدم‌النفع و زیان‌های احتمالی، از حیث بازپرداخت به طور کلی محل تردید و مناقشه است. به علاوه، میزان مشخصی برای خسارات جانی و مالی وجود دارد که بیش از آن را نمی‌توان مطالبه کرد.



این نظام نمی‌تواند برای اثبات مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های واگیردار کارآیی لازم را داشته باشد؛ چراکه تحقق نظام جبران، نیازمند وقوع فعل یا ترک فعل صادره از سوی شخص انسانی یا عوامل اوست. حال آنکه در در مورد بیماری‌های واگیردار، عامل وقوع خسارت، اغلب قهری به شمار می‌آید و حتی اگر عوامل انسانی نیز در آن دخیل باشند، عرفاً بسیار دور به حساب می‌آیند. با این حال، نظام جبران دارای ویژگی سوم است که از آن می‌توان برای اثبات مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های واگیردار بهره گرفت.

۳- ممکن است این بحث مطرح شود که مسئولیت جبران در حالتی که ناشی از عامل یا مبنایی جدید باشد، علی‌الأصول شامل مال نمی‌گردد و فقط جان انسان را در برمی‌گیرد. این تحلیل بر هیچ دلیل منطقی مبتنی نیست و به همین خاطر طرف داری نیافته است. زیرا در حقوق مسئولیت، تفاوتی بین زیان‌های جانی و مالی از حیث جبران ندارد و هرچند جبران خسارات جانی اولویت دارد، زیان‌های مالی نیز دارای اهمیت است و جبران آنها همان فلسفه جبران را به همراه دارد. این بحث به ویژه در مواردی محرز است که زیان مالی بالنسبه وسیع و جبران آن از سوی اشخاص خصوصی غیرممکن باشد.

۴- در نظام جبران، مسئولیت مدنی و کیفری به هم نزدیک می‌شوند. عامل زیان به این دلیل باید خسارت وارده را جبران نماید که مسئولیت مدنی او، بدل از مسئولیت کیفری است. در واقع کسی که باید مجازات می‌شد، تنها تحول حقوق کیفری در طول زمان، مسئولیت وی را تخفیف داده است. در پاره‌ای از موارد نیز جبران خسارت با کیفر همراه می‌شود. برای مثال، سارق، هم خسارات مال باخته را می‌پردازد و هم امکان دارد که دستش از جرم برای همیشه کوتاه شود. چنانچه گفته شد، این جنبه از نظام جبران، با تئوری مسئولیت عام ارتباط می‌یابد؛ چراکه مسئولیت مدنی دولت ممکن است ناشی از خطای عواملی باشد که به دلیل داشتن رابطه مستقیم با دولت (کارمندان) یا غیرمستقیم (پیمانکاران در بروز حادثه قهری نقش داشته اند، یا در شرایطی که توان پیشگیری از آن را داشته اند، به این کار مبادرت نورزیده‌اند. برای مثال، هرگاه عوامل دولتی یا غیردولتی که تحت نظارت دولت در زمینه‌های بهداشتی یا کنترل اجتماعی فعالیت می‌کنند، از انجام وظایف و تکالیف خود در زمینه قرنطینه و محدودیت‌های رفت و آمد یا تجمع خودداری نمایند، مسئولیت مدنی مستقیم ناشی از این ترک فعل، برعهده دولت است؛ چراکه عرفاً توان نظارت بر نیروهای زیردست خود را داشته و آثار زیان‌ناشی از کوتاهی در انجام وظایف قانونی باید در وهله اول به خود دولت تحمیل شود. بدیهی است که امکان یا عدم امکان مراجعه دولت به عامل اصلی زیان، ارتباطی با زیان دیده ندارد.

۲-۴. نظام انطباق

در این دیدگاه، هدف از مسئولیت مدنی، بازگرداندن وضعیت زیان دیده به حالتی می‌باشد که وی پیش از ورود زیان در آن وضعیت قرار داشته است. لذا بیمار باید تا حد امکان به حالت پیش از بیماری از حیث



سلامت جسمی و وضعیت اقتصادی بازگردانده شود. پر واضح است که این نظام عادلانه‌ترین سیستم قابل تصور برای مسئولیت و جبران به شمار می‌آید. با این حال، واقعیتی نیز با خود به همراه دارد و آن اینکه رسیدن به آرمان مذکور اغلب غیرممکن است؛ چگونه می‌توان آلام فرزند خردسالی که مادرش را در اثر بیماری کرونا از دست داده است، جبران کرد. بدیهی است، بسیاری از زیان‌های ناشی از مرگ و میر بیماران با پول قابل جبران نیست. به علاوه، نظام انطباق، اگرچه مقداری پیشرفته‌تر از نظام جبران به شمار می‌آید، هنوز هم صبغه کیفر را با خود به همراه دارد. چرا که برای بازگشت به وضعیت سابق، به ویژه در مواردی که کوتاهی‌های ناشی از بیماری‌های واگیردار را تشدید کرده باشد، شاید لازم باشد که عاملین از طریق درج در جراید رسوا شوند یا به مجازات‌های سنگین تری محکوم گردند. ملاحظات فوق نشان می‌دهد که نظام انطباق نیز بیشتر موردی و خاص بوده و اجرای آن در مورد خسارات معتناهایی که در مدت کوتاهی از بیماری‌های واگیردار ناشی می‌شود، بسیار دشوار است. بنابراین باید راه‌حل جامع‌تری جست و بقیه اهداف مسئولیت مدنی را مطالعه کرد (السان، ۱۳۹۹).

۴-۳. نظام تلفیقی - بازدارنده

در یک تحلیل مبتنی بر تساوی بشر و حاکمیت مردم، یک نمونه خاصی از بیماری واگیردار (کووید ۱۹) باید در تمامی کشورهای هم‌رده (مانند توسعه‌یافته یا در حال توسعه) به اندازه نسبت مساوی موجب بیماری، مرگ و میر و در مفهوم عام «خسارت» شود. این خسارت، حداقل ثبت شده‌ای است که با رعایت استانداردهای لازم و برنامه‌ریزی بلندمدت در کشور معین، بدان نائل شده‌اند و سایر کشورها، به هر دلیل یا توجهی به کاهش خسارات در آن حد (حداقل) ندارند یا تلاش‌های غیرعلمی آنها در این زمینه به دلیل فقدان ضمانت اجرای قانونی و مدیریتی لازم، بی‌ثمر مانده است. اگر سیاست کلان و پایدار دولت در قبال بیماری‌های واگیردار، رسیدن به آرمان فوق باشد، در آن صورت طراحی نظام مسئولیت مدنی به عنوان مهمترین ابزار رسیدن به این هدف در شرایط کنونی نیز آسان خواهد بود. نظام تلفیقی بازدارنده، اختلاطی از مسئولیت مدنی برای دولت و مسئولیت مدنی کیفری برای دولت مردان و تمامی کسانی است که تشدید آثار بیماری‌های واگیردار، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، ناشی از کاهلی، بی‌مبالاتی، بی‌احتیاطی، کم‌کاری، تقلب، کلاهبرداری، اختلاس و سایر جرایم آنهاست. در شرایط حاضر تنها نظامی است که برای رسیدن به هدف پیشگیری از گسترش بیماری‌های واگیردار و آثار زیان‌بار آنها می‌توان بدن تمسک نمود. چرا که وقتی دولتمردان موقعیت شغلی و حتی جان خویش را در معرض خطر (کیفر) ببینند، نظارت و مدیریت خویش را در مقام پیگیری و بازدارندگی از بیماری‌های واگیردار با دقت و اهتمام کامل انجام می‌دهند و توان طفره از مسئولیت‌های اداری اجرایی (که سابقاً ضابطه و ضمانت اجرای خاصی بر آن حاکم نبوده) را ندارند (پیشین).



۵. مسئولیت دولت در خصوص خسارات ناشی از بحران کرونا

بیماری کرونا از یک سوی منجر به آسیب به جسم و سلامت افراد شده است؛ به گونه‌ای که طبق اعلام وزارت بهداشت تعداد مبتلایان به این ویروس در روز نگارش مقاله (۱۷/۰۲/۱۴۰۰) به دو میلیون و ۶۰۰ هزار و ۱۸ نفر رسید. متأسفانه در طول ۲۴ ساعت گذشته، ۳۳۸ بیمار کووید ۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان باختگان این بیماری به ۷۳ هزار و ۹۰۶ نفر رسید. از دیگر سوی، تعطیلی اجباری مشاغل، اصناف و شرکت‌ها منجر به خسارت مالی گردیده است. بنابراین، با توجه به تعریف زیان «هرجا نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه‌ای وارد آید، می‌گویند ضرری به بار آمده است». ایراد ضرر محرز، و بررسی آثار اقدامات دولت در بروز آن امکانپذیر است (مظفری، میرزایی مقدم، ۱۳۹۹). بدین ترتیب، در اینجا ابتدا نحوه عملکرد دولت از نظر انجام یا عدم انجام اقدامات لازم بررسی خواهد شد. پس از این موضع قوانین و مقررات حاکم و اصول مرتبط با انتساب مسئولیت مورد توجه قرار می‌گیرد.

۵-۱. بررسی تقصیر دولت در ارتباط با بیماری کرونا

اگرچه دولت اقدامات بسیاری در مبارزه با این بیماری انجام داده است، نظیر اعلام هر روزه آمار مبتلایان، ارسال پیامک‌های آموزشی و هشداردهنده، اعمال محدودیت‌ها و غیره و این اقدامات را افتخار آفرین می‌داند، این عملکرد بعضاً با انتقاداتی روبرو شده است؛ به گونه‌ای که برخی از کارشناسان از قصور و عدم اقدام به موقع این نهاد سخن گفته‌اند (نژاد بهرام، ۱۳۹۹). این عده نخستین اهمال دولت را در خصوص عدم بستن به موقع مرزهایی هوایی با چین می‌دانند؛ اهمالی که معاون وزیر بهداشت به عدم انجام آن، با وجود درخواست جدی وزیر بهداشت، اذعان نموده است.

اهمال دوم دولت در خصوص عدم اعلام سریع و به موقع ورود ویروس به کشور است. در این موضوع نیز معاون وزیر بهداشت گفته است: «این ویروس از قبل وارد ایران شده بود؛ ما چون هم زمان اپیدمی آنفلوآنزا هم در کشور داشتیم، خیلی از اینها تصور می‌شد آنفلوآنزای NIH1 است و به همین علت، تصور این بود که آنفلوآنزاست و چین هم اعلام نکرده بود و قطعاً ما هم باید هوشیارانه‌تر عمل می‌کردیم. فکر می‌کنم قدری تأخیر در اعلام داشتیم. به دلیل اینکه اطلاع نداشتیم و فکر نمی‌کردیم این باشد» (مظفری، میرزایی مقدم، ۱۳۹۹).

تکلیف دولت به اعلام سریع و به موقع ورود این ویروس در کشور نه تنها مبتنی بر قوانین موضوعه است، بلکه از حمایت قواعد فقهی نیز برخوردار است. در این راستا می‌توان از قاعده‌ی تحذیر سخن گفت. با این توضیح که «اگر فرد در مقام انجام کاری، سایرین را از وجود خطری که ممکن است آنان را دچار خسارت مادی یا جانی نماید، آگاه کند و به نحو مقتضی هشدار دهد و دریافت‌کننده هشدار با وصف اطلاع، خود را در معرض خطر قرار دهد، هشداردهنده معذور خواهد بود و تحت شرایطی از مسئولیت



مدنی و کیفری میرا می‌باشد (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱). مفهوم مخالف این عبارت مسئولیت مدنی و کیفری فرد در صورت عدم اطلاع‌رسانی است.

همچنین برخی مسئولیت دولت را در این خصوص بر مبنای قاعدهٔ غرور توضیح می‌دهند (آقابابیان، ۱۳۹۸). به عقیده آنها، دولت باید شیوع بیماری را در هر منطقه بلافاصله اطلاع‌رسانی کند، در غیر این صورت زیان‌دیدگان می‌توانند بر مبنای قواعد عام مسئولیت مدنی از جمله قاعدهٔ غرور، به مسبب مراجعه کنند.

اهمال سوم در ارتباط با عدم کنترل و چاره‌جویی مؤثر در مبارزه با این ویروس است. این موضوع باعث شد که در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۸۸، پنج وزیر بهداشت پیشین کشور و هفده استاد پزشکی در نامه‌ای به رئیس جمهور با اشاره به شمار بالای موارد بیماری و تلفات ناشی از آن نوشتند: «در صورت عدم کنترل بیماری و چاره‌جویی مؤثر، افزایش تلفات و خسارات قطعی است». به هر روی، به نظر این عده به علت تعلل و اهمال صورت گرفته «دولت باید بر مبنای اصل مسلم حقوق عمومی» تکلیف به بیان دلایل و عوامل اقدامات و تصمیمات، عدم اقدام به موقع درباره تأخیر و اهمال خود یا نهادهای ذی‌ربط به مردم و شهروندان، پاسخگو و مسئول باشد. چنانچه تأخیر در اتخاذ سیاست‌ها و تصمیم‌های بهینه و مؤثری یا اقدامات پیشگیرانه و یا عدم کاربرد مؤثر و به موقع اقتدار عمومی و حاکمیتی در مبارزه با بیماری ویروس کرونا، منجر به جان دادن هزاران انسان بی‌گناه شده باشد و یا منتهی به استمرار تعطیلی غیرضروری کسب‌وکارها و کارخانجات و از رهگذر آن خسارت مالی و اقتصادی به کارگران، صاحبان مشاغل و کارخانه‌داران گردیده باشد، عدالت ترمیمی اقتضا می‌کند چنین صدمات و خساراتی از سوی دولت بدون جبران رها نشوند تا بخشی از آسیب‌های وارده به جامعه ترمیم گردد (زارعی، ۱۳۹۹).

۲-۵. رویکرد قوانین نسبت به مسئولیت دولت

قوانین کشور شامل مقررات مختلفی در خصوص مسئولیت دولت در جبران خسارات است. برخی از این مقررات به گونه‌ای وضع شده است که اصل مسئولیت دولت را با تردیدهایی مواجه می‌سازد. در این خصوص می‌توان به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی اشاره نمود. به موجب این ماده، کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارد می‌باشند. ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نباشد و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است. ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود. قانونگذار در این ماده مسئولیت جبران خسارات در اعمال حاکمیتی را از عهده دولت خارج کرده است. با این حال، این ماده تعریفی از این اعمال نداده است. عدم تعیین چارچوب



مفهومی این واژه باعث ارائه تعاریف مختلفی از سوی حقوقدانان شده است. با وجود این، قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ در ماده ۸ خود به تعریف امور حاکمیتی پرداخته است. بنابراین ماده، امور حاکمیتی «آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود. در همین راستا بند «ک» این ماده، امور مربوط به «ارتقای بهداشت و آموزش عمومی، کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها و آفت‌های واگیر، مقابله و کاهش اثرات حوادث طبیعی و بحران‌های عمومی» را از امور حاکمیتی دانسته است. بنابراین، پیشگیری از شیوع ویروس کرونا و درمان آن را به دلیل انتشار سریع آن که می‌تواند منجر به مرگ شود، می‌توان در زمره اعمال حاکمیتی قرار داد و طبق فراز آخر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی به عدم مسئولیت دولت نظر داد (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۵). برخی در تحلیل این بیان قانونگذار به مفهوم «خطرات معمول» اشاره کرده‌اند. به نظر این عده، در خصوص این خطرات حکم به جبران خسارت نامعقول است (بادینی، اقدس طینت، ۱۳۹۶). اندیشه مسئولیت دولت در جبران خسارت آنچنان تقویت شده است که در حال حاضر شاهد ظهور نظریه مسئولیت دولت در قبال حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله هستیم. حوادثی که درجه قابلیت پیش‌بینی آنها بسیار اندک است؛ به گونه‌ای که توضیح آن بر مبنای عناصر انتساب زیان دشوار است. این نظریه با ابتنا بر مفاهیمی چون «دولت رفاه» یا «دولت مسئول» سعی در پایه‌ریزی ستون‌های ایجاد مسئولیت در این حوادث برای دولت دارد (السان، ۱۳۸۷).

۳-۵. رابطه سببیت بین خسارات و عملکرد دولت

رابطه سببیت بین فعل زیان بار و ضرر وارده از ارکان تحقق مسئولیت مدنی و کیفری است. سبب در قلمرو مباحث حقوقی، در معنای عرفی آن مدنظر قرار می‌گیرد و به تبع منظور از رابطه سببیت، رابطه‌ای است که عرفاً می‌توان بین فعل زیانبار و ضرر برقرار کرد. البته رابطه سببیت در مسئولیت مدنی با مسئولیت کیفری دارای برخی تفاوت‌هاست. برخلاف مسئولیت کیفری که تحقق آن اصولاً بدون قصد مجرمانه و وجود جرم قانونی متصور نیست، در مسئولیت مدنی گاه تقصیر، شرط مسئولیت است و گاه بدون تقصیر هم مسئولیت به وجود می‌آید و لزومی ندارد قصد اتلاف وجود داشته باشد؛ همان طور که به احصای موارد مسئولیت از ناحیه قانونگذار نیازی نیست» (حاجی نوری، ۱۳۸۹). در همین راستا بیان شده است: در قانون مدنی ایران مبنای مسئولیت مدنی صرفاً انتساب اضرار به فاعل فعل ضرری است، خواه عمد یا بی‌احتیاطی و غفلت سرزده باشد یا خیر. بدین ترتیب، در خصوص مسئولیت دولت در برابر خسارات حاصله از بیماری کرونا، اثبات رابطه سببیت بین رفتار وی با این خسارات ضروری است؛ هرچند در خصوص مسئولیت کیفری و دیه احراز تقصیر ضرورت دارد. در اینجا دو دسته از رفتار دولت قابل بررسی خواهد بود: دسته نخست رفتارهایی است که به شکل ترک فعل رخ داده و همراه با تقصیر بوده است (در صورت اثبات)،



مانند ترک اعلام به موقع ورود بیماری در کشور، عدم اعمال سریع محدودیت‌های ضروری در مناطق آلوده و ... قانون مدنی در خصوص ترک فعل در ماده ۹۵۲ خود بیان می‌دارد: «تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیرلازم است». بنابراین هرگاه عرف عملی را برای حفظ مال غیرلازم و ضروری بداند، ترک آن عمل تقصیر به شمار می‌رود، خواه مقصر طرف قرارداد باشد یا نه (مستفاد از ماده ۱۶۸، ۲۲۰، ۲۲۵، ۳۳۴ و ۴۸۶ ق.م). البته وجود این عرف باید محرز و مسلم باشد. بنابراین در خصوص این دسته از رفتارها، به علت تکلیف دولت به حفظ بهداشت و سلامت عمومی و ترک آن و نیز قابلیت پیش‌بینی ورود و شیوع بیماری در کشور، تفریط محقق شده، منجر به مسئولیت خواهد شد. دسته دوم رفتارهایی است که به شکل فعل بوده و دولت چاره‌ای جز انجام آنها نداشته است؛ مانند ایجاد محدودیت‌های اضطراری، تعطیل کردن برخی صنوف، مشاغل و شرکت‌ها. این افعال با هدف جلوگیری از شیوع بیماری و حفظ جان و سلامت مردم انجام گرفته است. لازم به ذکر است، با عنایت به اینکه دولت مجوز محدودیت‌های صددرصدی در قرنطینه کامل را صادر نکرد، لذا این اقدامات حداقل تدابیر لازم محسوب می‌شود و نمی‌توان به افراط دولت و تقصیر وی در ارتکاب آنها نظر داد. بدیهی است، این اقدامات نیز باعث ایراد خسارات مالی به عده زیادی از اشخاص حقیقی و حقوقی شده است (مظفری، میرزایی مقدم، ۱۳۹۹).

۵-۴. قلمرو مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های واگیردار

در مورد مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های واگیردار، باید مسئله را در دو فرض عمده مورد بررسی قرار داد: فرض اول مربوط به آن دسته از بیماری‌های واگیرداری می‌شود که احتمال شایع شدن آن بیماری غیرقابل پیش‌بینی باشد. در اینجا باید توضیح داد که اصطلاح غیرقابل پیش‌بینی مفهوم بسیار مضیقی دارد و تنها منحصر در مواردی است که بیماری سابقه نداشته و اتفاق محض غیر تکراری باشد. بدیهی است که بیماری‌هایی چون طاعون، آنفلوآنزا یا دیگر بیماری‌های واگیردار، با یک بار وقوع در تاریخ معاصر در سال‌های بعدی قابل پیش‌بینی است و یک دولت نمی‌تواند به این بهانه که از زمان دقیق شیوع بیماری اطلاع نداشته است، اقدامی پیشگیرانه در این باب صورت ندهد؛ زیرا همانگونه که گفتیم، هدف از مسئول دانستن دولت در قبال بیماری‌های واگیردار، رسیدن به ثبات و پایداری در پیشگیری از این نوع از بیماری‌هاست و اگر چه اقدام دولت در اطلاع‌رسانی به مردم و وضع و اجرای محدودیت‌هایی مانند قرنطینه نیز در شمول آن قرار می‌گیرد، صرفاً یک راهکار سطحی است و دولت موظف به از بین بردن علل و ریشه بیماری‌های واگیردار تا حد امکان از طریق اقدامات تحقیقاتی گسترده، واکسیناسیون عمومی و ... می‌باشد (السان، ۱۳۹۹).

معیار پیش‌بینی پذیری حادثه یا غیرقابل پیش‌بینی بودن آن، معیاری جهانی است. بنابراین، دولت موظف به تهیه وسایل پیشرفته برای پیش‌بینی بیماری‌های واگیردار و پیشگیری از آنهاست و نمی‌تواند به این بهانه که



امکانات لازم را در اختیار نداشته است، خود را از مسئولیت مبرا سازد. فرض دوم آن است که بیماری واگیردار قابل پیش‌بینی باشد. در این مورد، اگر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ملاک قرار گیرد، می‌توان قائل به تفکیک میان ورود خسارت در اثر اهمال کارمندان، نقص وسایل و امکانات دولتی یا تقصیر کلی دولت اطلاع از سابقه حادثه و عدم اقدام به جلوگیری از آن، بدون اینکه منتسب به عضو خاصی از اعضای دولت باشد)، شد. با این حال، ضرورت جبران تمام خسارات در فرض مبتلا شدن به بیماری، اقتضای آن را دارد که زیان دیده با عده‌ای ناشناس که حتی در فرض شناسایی توان جبران فوری یا کلی خسارات وی را ندارند، روبرو نشود و با دولتی طرف باشد که توان جبران سریع و کامل بخشی از زیان‌های وی (ضررهای قابل جبران) را دارد. البته دولت می‌تواند به کارمندان یا سایر وابستگان دولت که بروز خسارت به نوعی منتسب به ایشان است، مراجعه نماید.

۶. یافته اصلی تحقیق

تحقیقات و نتایج موجود ثابت می‌کند که با توجه به اینکه دولت‌ها در قبال شهروندان خود مسئولیت حفظ بهداشت عمومی را به عهده دارند مکلف‌اند که با پیش‌بینی انواع اپیدمی‌ها و تهیه و متدارک دارو و خدمات درمانی در معالجه آنها تصریح کرده و سلامت اقتصادی را به جامعه که در اثر بیماری صدمه دیده بازگرداند در عین حال ضمن هماهنگی با سازمان بهداشت جهانی و شرکت‌های داروساز و آموزش همگانی مردم زمینه‌ی افزایش بهداشت را فراهم آورد بنابراین دولت مکلف است قوانین داخلی خود را با قوانین بین‌المللی و پروتکل‌های بهداشتی هماهنگ کرده و در بهبود سلامت مردم با تمام توان بکوشد و مهمتر از همه آنکه ترتیبی فراهم آورد که دارو با کمترین قیمت در اختیار همه‌ی اقشار جامعه قرار گرفته و از تسهیلات اقتصادی جهت کاهش فشار بر شهروندان استفاده نماید.

۷. نتیجه‌گیری

بیماری ناشی از ویروس کرونا اگرچه وضعیت اضطراری آفرید و خسارات مادی، معنوی و جانی همراه داشت، این موضوع نباید باعث آشفتگی کشوری شود که از اصول و قوانین مختلفی برخوردار است. اساسی‌ترین محک عملکرد یک دولت در همین وضعیت‌های اضطراری خواهد بود. در این وضعیت‌هاست که می‌توان به رصد عملکرد دولت‌ها نشست و میزان آمادگی آنها را سنجید. عملکرد دولت نه فقط از نظر شکل و قالب قابل بحث است، از نظر ماهیت نیز با قصور در برخی تکالیف، در معرض انتقاداتی قرار دارد. انتقاداتی که موضوع اعلام به موقع ورود ویروس در کشور و اجرای محدودیت‌های ضروری را آماج خود ساخت. این موضوع منجر به ورود آسیب‌های زیادی به پیکره اقتصاد کشور و نیز امنیت جانی مردم گردید. این آسیب‌ها و خسارات به علت افعال و ترک افعال دولت محقق شده‌اند. دولت به عنوان متصدی اصلی نظام سلامت کشور، باید با اقدامات به موقع و سریع خود از نتایج زیان‌بار این بیماری بکاهد. نتیجه ترک فعل دولت در این موارد با استناد به مواد ۹۵۲ قانون مدنی و ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، موجب مسئولیت



خواهد بود. به عبارت دیگر، برخی از اقدامات دولت را می‌توان با استناد به قواعدی نظیر قاعدهٔ احسان و اجرای قانون اهم توجیه نمود و ایشان را از کمند مسئولیت رهاوند، اما هیچ توجیحی برای برخی قصورها نیست. در این موارد، دولت به عنوان حافظ اصلی امنیت جانی و مالی مردم باید پاسخگوی خسارات باشد و مسئولیت خود را بپذیرد. نکته قابل توجه اینکه برای پاسخ به وضعیت موجود، می‌توان دولت را با هر کدام از رویکردهای پذیرفته شده در خصوص مسئولیت دولت، درگیر کرد و این درگیری ممکن است به اشکال مختلف ظهور پیدا کند. آن‌گونه که در جبران خسارت، هدف اصلی بازگرداندن وضعیت به ماقبل حادثه است، می‌توان برای این منظور از اقدامات جبرانی روانی و مادی استفاده کرد تا از طریق آن هم زیان‌های مادی و هم معنوی به شکل شایسته‌ای جبران‌پذیر باشد. این تلاش در سازمان‌های دولتی مختلفی قابل اجراست که برخی از این تلاش‌ها را می‌توان در نهادهای مسئول اقدامات بهداشتی و برخی را در نهادهای خدمات‌رسان اجتماعی پیاده‌سازی کرد. با این حال، مدیریت و بودجه دو شرط اولیه و اساسی برای پایداری مفهوم توسعه از مجرای جبران خسارت از قربانیان است که ضرورت برنامه‌ریزی مستقل را ایجاب می‌کند.



مركز تحقيقات کامپيوتر علوم رسدي



فهرست منابع و مآخذ

- آقا بابایان، ح ر، (۱۳۸۸)، مسئولیت‌های داخلی و بین‌المللی برای پیشگیری، درمان و جبران خسارت ناشی از کرونا، روزنامه تابناک، تاریخ انتشار ۸ اسفند ماه.
- بادینی، ح؛ اطنیت، ح ر، (۱۳۹۶)، خطرات معمول زندگی و نقش آن در قلمرو مسئولیت مدنی، دو فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۷ و ۷۸، ص ۴۰ الی ۱.
- تامپسن، ک، (۱۳۸۸)، نظریه دورکیم درباره همبستگی اجتماعی، ترجمه مهناز مسمی پرست، تهران: انتشارات نشر نی، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، م ج، (۱۳۹۴)، ترمینولوژی حقوق، تهران: نشر گنج دانش. چاپ هیجدهم.
- حاجی نوری، غ ر، (۱۳۸۹)، مطالعه تطبیقی رهیافت‌های سببیت در مسئولیت مدنی، نشریه فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱، ص ۸۹ الی ۶۱.
- حدیری، غ ح، (۱۳۹۰)، همبستگی اجتماعی در نگاه اسلام، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، زمستان، شماره ۱۳، ص ۱۱۷ الی ۹۵.
- زارعی، م ح، (۱۳۹۹)، مسئولیت دولت‌ها در زمانه کرونا، مجله اینترنتی مشق نو، ص ۶ الی ۱.
- السان، م، (۱۳۸۷)، نظریه مسئولیت مدنی دولت در قبال حوادث طبیعی، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۴، ص ۳۹ الی ۷.
- السان، م، (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های واگیردار «بررسی موردی: کووید-۱۹» دوره ۲۳، ویژه نامه حقوق و کرونا، تابستان، ص ۲۴۳ الی ۲۱۵.
- طباطبایی مومنی، م، (۱۳۸۵)، حقوق اداری، تهران: نشر سمت. چاپ دوازدهم
- مظفری، م؛ میرزایی مقدم، م، (۱۳۸۹)، بررسی حقوقی نحوه عملکرد و مسئولیت دولت در جبران خسارات ناشی از بحران کووید-۱۹، دوره ۲۳، ویژه نامه حقوق و کرونا، تابستان، ص ۴۱۱ الی ۳۸۵.
- مهرا، ن، (۱۳۸۹)، مسئولیت دولت در جبران خسارت قربانیان کرونا، فصلنامه تحقیقات حقوقی - ویژه نامه حقوق و کرونا، دوره ۲۳، تابستان، ص ۱۶۱ الی ۱۴۳.
- موسوی بجنوردی، س م ح، (۱۴۰۱)، قواعد فقهیه، جلد ۱، تهران: عروج، چاپ سوم.
- نژاد بهرام، ز، (۱۳۸۹)، انتقاد از عملکرد ستاد کرونا، موجود در سایت اینترنتی مهرنیوز، ص ۴ الی ۱.